

# خصومت دیرینه مسیحیت

## غرب با اسلام و پیامبر ﷺ

حیدررضا ضابط

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تاریخ اسلام

### چکیده

در طول یک هزار سال گذشته بعد از آغاز جنگهای صلیبی علیه اسلام، مطالعات اسلام‌شناسان غربی با انگیزه و روحیه صلیبی و اسلام‌ستیزی حاکم بر جوامع غربی صورت گرفته است. این روحیه سبب سردرگمی آنان در بررسی زندگانی پیامبر اعظم ﷺ و منابع اسلام شده است. در این مقاله با استفاده از منابع لاتین که اسلام‌شناسان غربی درباره اسلام و زندگانی پیامبر ﷺ تألیف نموده‌اند اهداف سیاسی و فرهنگی آنها برای توهین به ساحت مقدس پیامبر اعظم ﷺ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

سرعت فوق العاده‌ای که به واسطه آن، دین اسلام جهان را فراگرفت یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌ها در تاریخ ادیان و جهان است. هنوز یک قرن به‌طور کامل سپری نشده بود که ندای اسلام بر اکثر اقلیم‌های جهان طنین افکند و امپراتوری‌های روم و ایران به دست فرزندان اسلام درهم شکسته، تار و مار شدند. مسیحیت قرن‌ها خود را در گوشه و کنار در مناطق خاورمیانه پنهان ساخته، ابعاد فراوانی از شرک و بت‌پرستی را تا حد زیادی در خود جذب نموده بود و فقط توانست در سال ۳۱۳ میلادی در میان آیین‌های جهان سربرافرازد. زمانی امپراتور مشرک روم به نام کنستانتین

(۲۴۷-۳۳۷م) آیین مسیحیت را رسماً پذیرفت که آیین بت‌پرستی و شرک را در خود جذب کرده بود. امپراتور کنستانتین در سال ۳۲۵ ریاست شورای نیقیه (Council of Nicaea) متشکل از ۳۱۸ اسقف را برعهده داشت و اعتقادنامه رسمی کلیسا و مسیحیت را به تصویب رسانید. بعد از مسیحی شدن امپراتور روم، با قدرت نظامی این امپراتوری، مسیحیت در اروپا گسترش یافت.

### آغاز ایجاد شبهات علیه اسلام

موفقیت چشمگیر و تأثیر شگفت‌آور اسلام بر اذهان انسان‌ها و پیشرفت سریع در قاره اروپا باعث شد که دانشمندان اروپایی که اکثراً کیشش بودند، برای تحریف آموزه‌های اسلام و جلوگیری از نفوذ آن در بین مسیحیان اروپا از آغاز ظهور اسلام، این اتهام را وارد سازند که اسلام دین شمشیر بوده، به وسیله شمشیر و در پناه آن گسترش یافته است. بدین سان کلیسا با ایجاد تنفر شدید علیه اسلام و مسلمانان و به بهانه اشغال سرزمین فلسطین، هشت جنگ طولانی به نام جنگ‌های صلیبی (crusades) را در سال‌های ۴۸۹-۶۹۰ق / ۱۰۹۶-۱۲۹۱م) بین لشکرهای مهاجم مسیحی از اروپا و مسلمانان در خاورمیانه به راه انداخت.

با آغاز رقابت و توسعه بازرگانی و تجارت در بین کشورهای استعمارگر اروپایی مانند بریتانیا، فرانسه، پرتغال و هلند در اوائل قرن هفدهم میلادی، این کشورهای استعمارگر اروپایی با سه حکومت قدرتمند مسلمانان؛ شامل سلاطین عثمانی در ترکیه و شرق اروپا، حکومت صفوی در ایران و سلاطین گورکانیان در شبه قاره هند روبه‌رو شدند و این سرآغاز رویکرد به مطالعات آکادمیک درباره اسلام و مسلمانان در اروپا با پشتیبانی و حمایت حکومت‌های استعمارگر اروپایی در کشورهای خود گردید. این مطالعات که محور اصلی آن اسلام و مسلمانان بودند، به جای نامگذاری با عنوان اسلام‌شناسی، به عنوان شرق‌شناسی (Orientalism) معرفی گردید.

کرسی مطالعات اسلام در سال ۱۶۳۲م در دانشگاه کمبریج و در سال ۱۶۳۶م در دانشگاه آکسفورد انگلستان تأسیس گردید. از آغاز، مبنای مطالعات درباره اسلام و مسلمانان از سوی اروپائیان، ایجاد اقتدار فکری و سلطه سیاسی و اقتصادی غرب بر شرق بوده و از این‌رو دارای اهمیت فراوان و موقعیت استراتژیک برای دولتمردان اروپا بوده است. پرفسور ادوارد سعید در مقدمه کتاب معروف خود

شرق‌شناسی به بحث درباره‌ی این واقعیت پرداخته است.<sup>۱</sup>

## آغاز تهاجم نظامی و فرهنگی علیه مسلمانان

با ظهور اسلام در خاورمیانه مسیحیت در این منطقه به یک اقلیت محدود تبدیل شد و هشت جنگ صلیبی از جانب اروپای مسیحی در مدت دو قرن برای تسخیر مناطق مسلمان‌نشین خاورمیانه به شکست انجامید و در سال ۱۱۸۷م بیت‌المقدس و فلسطین توسط صلاح‌الدین ایوبی از اشغال صلیبیون اروپایی آزاد گردید. در سال ۱۴۵۳م ترکان عثمانی شهر قسطنطنیه، مرکز کلیسای روم شرقی، و مسیحیت ارتدوکس را فتح نمودند و مناطق وسیعی در اروپای شرقی در قلمرو ترکان عثمانی قرار گرفت.

با آغاز تجدید حیات علمی و ادبی (رنسانس)<sup>۲</sup> در اروپا که به کنار گذاشتن کلیسا از مراکز قدرت و سکولار نمودن جوامع اروپایی انجامید، مطالعات درباره‌ی اسلام با محوریت مطالعه پیرامون زندگانی پیامبر اکرم ﷺ بر مبنای اصول سکولار حاکم بر مطالعات خاورشناسی در اروپا انجام گرفت. در آن برهه، بریتانیا و فرانسه بسیاری از مناطق جهان اسلام را با قدرت نظامی اشغال

کرده و مستعمره خود قرار داده بودند؛ مناطقی که از نظر وسعت و جمعیت، چند برابر سرزمین و جمعیت این دو کشور استعمارگر اروپا بود. در سال ۱۷۹۵م در پاریس «دانشکده زبان‌های شرقی»<sup>۳</sup> به ریاست سیلوستر دی ساسی (Silvester de Sacy) تأسیس گردید. پیشتر «کمپانی هند شرقی بریتانیا» برای اشغال شبه قاره هند و خارج کردن آن دست مسلمانان «جامعه آسیایی بنگال»<sup>۴</sup> را در سال ۱۷۸۴م تأسیس کرده بود و مدیریت آن را اسلام‌شناس معروف انگلیسی سرویلیام جونز (Sir William Jones) بر عهده داشت. ارنست رینان (Ernest Renan) و ادوارد ویلیام لین (Edward William Lane) از شرق‌شناسان برجسته انگلستان، شرق‌شناسی و مطالعه درباره‌ی اسلام را در راستای برآورده نمودن خواسته‌های قدرت استعمارگر بریتانیا دنبال کردند و به گفته نویسنده معروف ادبیات انگلیسی از آمریکا پرفسور ادوارد سعید،

۱- ادوارد سعید، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۳-۴۹.

2- Renaissance.

3- Ecole des Langues Orientale.

4- Asiatic Society of Bengal.

شرق‌شناسی یعنی شناختن جوامع شرقی برای زیر نفوذ قرار دادن و سپس اشغال کردن این جوامع<sup>۱</sup>. در سال ۱۸۳۰م زمانی که کشور اسلامی الجزایر در شمال آفریقا به دست امپراتور فرانسه ناپلئون اشغال شد، تعداد زیادی از اسلام‌شناسان فرانسوی وی را در این عملیات نظامی به عنوان مشاور همراهی می‌کردند.

### تعصب عمیق میسیونرهای

#### مسیحی علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس از آغاز جنبش رنسانس در اروپا، این جوامع با مبارزه علنی علیه نفوذ سیاسی و اجتماعی کلیسا کاملاً سکولار شده بودند، لیکن مطالعات در باره اسلام به‌ویژه درباره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر توسط میسیونرهای مسیحی که تعصب عمیقی علیه اسلام و پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشتند، انجام می‌گرفت. آن‌ها برای تحریف تعالیم اسلام و زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهایت تلاش خود را به کار می‌گرفتند. از جمله میسیونرهای معروف مسیحی می‌توان از لویی ماسینیون، دانکن بلاک مک دونالد، اسقف مونتگمری وات، اسنوک هارگرونج، ساموئل زوئه مر، هانری لامسن، م.ا. پالاسیوس، سی.دی. فوکو، اسقف کینت کراگ و اسقف سرویلیام مویر

نام برد.

دانکن بلاک مک دونالد (م ۱۹۴۳)، میسیونر مسیحی متولد اسکاتلند - که زندگی خود را در آمریکا گذارند - در کتاب خود سیمای اسلام اظهار می‌دارد:

اسلام با هجوم و نفوذ تمدن غرب به زودی متلاشی خواهد شد و میسیونرهای مسیحی وظیفه دارند که مسلمانان جهان را مسیحی نمایند.<sup>۲</sup>

در همین کتاب وی به میسیونرهای مسیحی توصیه می‌نماید که «به اسلام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مستقیماً حمله نکنید، فقط بگذارید که ایده‌های جدید، اساس اسلام را نابود کنند.»<sup>۳</sup>

یکی دیگر از میسیونرهای معروف اسکاتلندی اسقف مونتگمری وات، استاد برجسته اسلام‌شناسی در دانشگاه ادینبورگ است که در کتاب خود محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه می‌نویسد:

«ظاهر می‌شود که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کوشش نموده اسلام را در قالب دین یهود

۱- شرق‌شناسی، ص ۱۲.

2- Duncan B. Macdonald, Aspect of Islam

(New York: 1911), p 12.

3- Ibid., p. 13.

به وجود آورد.»<sup>۱</sup>

وات اصرار می‌کند که «اگر یهودیان با محمد ﷺ کنار می‌آمدند اسلام فقط به عنوان یکی از فرقه‌های یهود ظاهر می‌گردید.»<sup>۲</sup>

در حقیقت اسلام‌شناسان میسیونر مسیحی فقط یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن این که نبوت پیامبر اعظم ﷺ و قرآن مجید را به عنوان وحی الهی تکذیب نمایند.<sup>۳</sup>

چنان که یاد شد، میسیونرهای مسیحی مطالعات درباره اسلام را برای شناخت این دین انجام نمی‌دهند و مقصد آنان تنها بی‌اعتبار کردن اسلام است. اسلام‌شناسی در چهار قرن گذشته در کشورهای اروپایی با هدف سلطه نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر جهان اسلام انجام شده است و اسلام‌شناسان یهودی و مسیحی اروپایی با پژوهش‌های خود کوشیده‌اند تا سلطه استعمارگران اروپایی بر جهان اسلام را مشروعیت بخشند.<sup>۴</sup>

از این رو اسلام‌شناسان در اروپا و آمریکا را می‌توان «فرزندان قدرتهای امپریالیستی اروپا» دانست که برای تأمین منافع امپریالیسم، دوست یکدل و هم‌زبان قدرتمندان و استعمارگران اروپایی بودند. با

گسترش مطالعات اسلام، استعمارگران بهتر می‌توانستند نقاط قوت و ضعف مسلمانان را شناسایی کرده، سلطه خود را بر آنها استحکام بخشند. در واقع، هدف اسلام‌شناسی در جهان غرب، هموار کردن هر چه بیشتر زمینه استعمار کشورهای اسلامی و مسلمانان بوده است.

از آغاز، مطالعات آکادمیک درباره اسلام در اروپا بر این قاعده کلی که «دشمن خود را بشناس» استوار بوده است و در این مأموریت، خاورشناسان سکولار و میسیونرهای مسیحی به سان دو لبه یک شمشیر، با هم کاملاً ارتباط داشته‌اند. از همان زمان از سوی دولت استعماری بریتانیا چندین مؤسسه تبشیری برای ترویج مسیحیت در مناطق اشتغال شده مخصوصاً جوامع اسلامی تأسیس گردیده است و میسیونرهای مسیحی آشکارا به حرکت‌های

1- Montgomery Watt, Muhammad at Medina (Oxford: Clarendon Press, 1956), p. 199.

2- Ibid, p. 219.

3- Muhammad Benaboud, "Orientalism and the Arab Elite The Islamic Quarterly, 26/1 (1982), p. 7.

4- Benaboud, "Orientalism and the Arab Elite," p. 6.

توسعه طلبانه اروپا ملحق گردیده اند.<sup>۱</sup>

همیشه‌گی بوده است.<sup>۳</sup>

سر ویلیام مویر، میسیونر معروف انگلیسی که چندین کتاب علیه اسلام تألیف کرده است نمونه‌ای زنده از این قشر می‌باشد. تمامی تألیفات مویر درباره اسلام، تحریف آشکار و آکنده از تهمت‌های ناروا علیه اسلام، قرآن مجید و پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. مویر در سال ۱۸۵۸م کتابی درباره زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در چهار جلد تألیف نمود که در آن تهمت‌هایی ناروا علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است.

برنارد لوئیس اسلام‌شناس معروف انگلیسی که بیشتر زندگی خود را در ایالات متحده آمریکا گذرانده است و در آمریکا به عنوان «سالار اسلام‌شناسان» یاد می‌شود، در کتاب اسلام و غرب چنین اقرار می‌کند:

«جهان مسیحیت از قرون وسطی تا کنون مطالعات درباره اسلام را با دو هدف دفاع از مسیحیت در مقابل مباحث مسلمانان علیه مسیحیت و مسیحی نمودن مسلمانان جهان انجام داده است. دانشمندان مسیحی که اکثریت آن‌ها را میسیونرها تشکیل می‌دهند، مجموعه کتاب‌هایی را درباره اعتقادات مسلمانان و پیامبر آنان تألیف کرده‌اند که فقط هدف مناظره دارد و لحن آن‌ها همراه با ناسزاگویی است.»<sup>۴</sup>

### تبلیغات علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اروپا

بعد از انتشار کتاب سراسر توهین‌آمیز اسقف مویر علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال ۱۸۵۸م، هجوم همه‌جانبه برای تخریب چهره نورانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط دانشمندان اروپایی آغاز گردید. در کتاب یاد شده علاوه بر وارد نمودن تهمت‌های ناروا علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اساس قرآن کریم و احادیث هم مستقیماً مورد خدشه قرار گرفتند.

کشورهای استعمارگر اروپایی بعد از

اسلام‌شناس معروف آمریکایی پرفسور نورمن دانیل در کتاب اسلام و غرب اظهار می‌دارد:

«استفاده از شواهد دروغین از جانب غرب برای حمله به اسلام یک روش

۱- شرق‌شناسی، ص ۱۸۴.

2- Bishop Sir William Muir, The Life of Mohamet, London, 1858, 4 Volimes.

3- Norman Daniel, Islam and the West: The Making of an Image, Oneworld Publications Ltd. July. 2000, p. 267.

4- Bernard Lewis, Islam and the West, Oxford University Press, October 1994. pp. 85-86.

استیلای کامل نظامی بر جهان اسلام از آغاز قرن نوزدهم هجوم همه‌جانبه‌ای را برای نابودی اعتقادات مسلمانان آغاز کردند و هدف مهم آن‌ها خدشه وارد کردن بر زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. در اوائل قرن نوزدهم، مغازی واقدی، سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد و تاریخ طبری به زبان‌های اروپایی ترجمه گردید و مبنای مطالعات دربارهٔ زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گرفت. با گذشت دو قرن از ترجمه کتب یاد شده به زبان‌های اروپایی هنوز هم اسلام‌شناسان غربی علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تهمت‌های ناروا وارد می‌کنند.

### کتاب‌های دانشمندان اروپایی

#### دربارهٔ زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵م اسلام‌شناس آلمانی سپرنگر (Sprenger) دربارهٔ زندگی پیامبر اعظم کتابی در سه جلد تدوین نمود. نولدکه (Noldeke) در سال ۱۸۶۳م کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تألیف نمود. ولهاوسن (Wellhausen) نیز در سال ۱۸۸۲م کتابی دربارهٔ دوران نبوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه منوره تدوین کرد.<sup>۱</sup>

کریهل (Krehl) کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال ۱۸۸۴م نگاشت. گریم (Grimme)

در فاصله سال‌های ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۵م کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دو جلد تألیف نمود. اگناز گلدزیهر (Ignaz Goldziher) در کتاب خود مطالعات اسلام<sup>۲</sup> بر این نکته تأکید می‌کند که برای مطالعه سیره پیامبر اسلام نباید از احادیث نبوی استفاده نمود؛ زیرا وی کلیهٔ احادیث نبوی را جعلی و فاقد اعتبار تلقی می‌کند.

اسقف سامائل زوئه مر میسیونر آمریکایی - که در سال ۱۸۸۹م در مناطق عربی حوزه خلیج فارس اولین مؤسسه تبشیری را برای ترویج مسیحیت تأسیس نمود - از دولت آمریکا و کشورهای اروپایی تقاضا می‌نماید که با اشغال نظامی مدینه منوره و نجران، آن‌ها را به جهان مسیحیت ملحق سازند.<sup>۳</sup>

در اوائل قرن بیستم میلادی بهول (Buhl) کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دربارهٔ زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تألیف نمود. مارگولیوت در سال ۱۹۰۵م کتابی دربارهٔ زندگانی پیامبر

۱- Wellhausen, Muhammad in Medina, 1882.

۲- Ignaz Godziher, Muhammadan Studies, 1889.

۳- Asaf Husain, Orientalism, Islam and Islamists, Vermont, USA, 1984, p. 7.

اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۱</sup> تحریر کرد. لیون کیتانی (Leone Caetani) اسلام‌شناس معروف ایتالیایی در سال ۱۹۰۵م کتابی درباره تاریخ اسلام<sup>۲</sup> نگاشت و اسقف هانری لامنس (Henri Lammens) اسلام‌شناس برجسته بلژیکی، همزمان با لیون کیتانی کتابی درباره اسلام تألیف نمود و هر دو در نوشته‌های خود بر این نکته اصرار دارند که تمامی احادیث نبوی جعلی می‌باشند و برای تألیف تاریخ اسلام و سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ‌گونه اعتباری ندارند.

ونسینک (Wensinck) در سال ۱۹۰۸م درباره زندگانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه منوره<sup>۳</sup> کتابی تألیف نمود. تورآندری (Tor Andrae) در سال ۱۹۳۶م کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آیین وی<sup>۴</sup> به رشته تحریر درآورد.

### خدشه وارد نمودن بر اساس اسلام

بعد از پایان جنگ جهانی دوم، تعدادی از اسلام‌شناسان برجسته اروپا و آمریکا درباره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کتاب تألیف نمودند. رجیس بلاشر (Regis Blachere) اسلام‌شناس فرانسوی در سال ۱۹۵۲م در کتاب خود درباره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>۵</sup> این نکته را بیان می‌کند که کتاب‌هایی که درباره سیره و مغازی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قرون اولیه اسلام

توسط دانشمندان مسلمان تألیف شده‌اند، فاقد اعتبار می‌باشد.

اسقف مونتگمری وات در سال ۱۹۵۳م کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه<sup>۶</sup> و در سال ۱۹۵۶م کتابی با عنوان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه<sup>۷</sup> را تألیف نمود. قبل از وی جوزف شات (Joseph Sehacht) در سال ۱۹۵۰م کتابی با عنوان ریشه‌های فقه محمدی<sup>۸</sup> تألیف کرده بود و در آن، تمامی کتاب‌های حدیثی و سیره دانشمندان مسلمان را جعلی و بدون اعتبار قلمداد کرده بود. مونتگمری وات در سال

1- Morgoliouth, Muhammad and the Rise of Islam, 1905.

2- Leone Caetani, Anali dell Islam, Milan (Italy), 1905, 8 Volumes.

3- Wensinck, Muhammad in Medina, Leiden, 1908.

4- Tor Andrae, Mohammad, the Man and His Faith, 1936.

5- Regis Blachere, La Probleme de Mahomet, 1952.

6- M.Watt, Muhammad at Mecca, Oxford, 1953.

7- M.Watt, Muhammad at Medina, Oxford, 1956.

8- Joseph Schacht, The Origins of Muhammadan Jurisprudence, Oxford, 1950.



۱۹۶۱م کتاب دیگری با عنوان محمد ﷺ، پیامبر و سیاستمدار<sup>۱</sup> تألیف نمود. وات در کتاب‌های خود درباره پیامبر اعظم نظریات جوزف شات مبنی بر بی‌اعتبار بودن کتاب‌های حدیثی و سیره را که دانشمندان مسلمان تألیف نموده‌اند تأیید می‌کند و گستاخانه اظهار می‌دارد قرآن کریم، آفرینش خیالی از جانب پیامبر اعظم می‌باشد.<sup>۲</sup>

اسلام‌شناسان معاصر غربی مانند جان وانس پرو در کتاب مطالعات قرآنی<sup>۳</sup>، (چاپ سال ۱۹۷۷م)، جان برتن در کتاب جمع‌آوری قرآن<sup>۴</sup> (چاپ سال ۱۹۷۷م)، گسترلولینگ در کتاب کشف مجدد محمد ﷺ<sup>۵</sup> (چاپ سال ۱۹۸۱م) و انگایکا نیوویت در کتاب مطالعات در باره گردآوری سوره‌های مکی<sup>۶</sup> (چاپ ۱۹۸۱م) علاوه بر جعلی خواندن تمامی کتاب‌های تألیفی درباره احادیث و سیره نبوی، حتی قرآن کریم را هم جعلی پنداشته‌اند.

در این میان، برخی از اسلام‌شناسان اروپایی و آمریکایی مانند اسقف مونتگمری وات و اسقف جان اسپوزیتو (John L. Esposito) حملات شدید و مستقیم نویسندگان غربی علیه اسلام و پیامبر اعظم ﷺ را روشی نادرست می‌دانند؛ چرا که این کتاب‌ها با توهین علنی به پیامبر

اعظم ﷺ، احساسات دینی مسلمانان جهان را علیه غرب و تمدن غربی برمی‌انگیزند و این به منافع کشورهای غربی در جهان اسلام زیان می‌رساند.

اسقف جان اسپوزیتو از دانشگاه جورج تاون واشنگتن در کتاب‌های خود درباره اسلام این مطلب را ترویج می‌کند که تعلیمات اسلام کاملاً مطابق ارزش‌های تمدن غرب می‌باشد و از این رو مسلمانان در جوامع اروپا و آمریکا و جهان اسلام باید از لحاظ فرهنگی در ارزش‌های تمدن غرب کاملاً ادغام شوند.<sup>۷</sup>

اسلام‌شناسان معروف آمریکایی مانند

- 1- W.M.Watt, Muhammad, Prophet and Statesman Oxford, 1961.
- 2- Ibid, p. 15.
- 3- John Wansborough, Quranic Studies, 1977.
- 4- John Burton, Collection of Quran, 1977.
- 5- Gunter Lubnag, The Rediscovery of Muhammad, 1981.
- 6- Angelika Neuwirth, Studies on the Composition of Meccan Suras, 1981.
- 7- John L. Esposito, Voices of Resurgent Islam, Oxford, 1983; Islam in Transition, Oxford, 1982; Islam and Democracy Washington, 1996.

همیلتون ا. ر. گیب و گوستاف فون گرونهام در تألیفات خود اسلام را فقط یک جنبش فرهنگی می‌دانند که آثار آن به عنوان محصول فرهنگی باید در موزه‌ها نگه‌داری شود و خواستار انجام اصلاحات در مبانی و اصول دین اسلام شدند که این هدف غرب فقط در اسلام منهای روحانیت محقق خواهد شد.<sup>۱</sup> فون گرونهام اعلام می‌دارد که با وجود اسلام منهای روحانیت، مسلمانان اصول و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جهان غرب را خواهند پذیرفت.<sup>۲</sup>

همیلتون ا. ر. گیب و آلفرد گویلوم در کتاب‌های خود دین محمدی و اسلام، با بحث‌هایی دربارهٔ خاتمیت رسول اکرم ﷺ به شبهه‌افکنی پرداخته، اظهار می‌دارند که اسلام فقط یک دین عربی می‌باشد که برای گسترش خود کاملاً به ادیان یهود و مسیحیت وابسته بوده است.<sup>۳</sup>

### شبهات علیه جهاد در اسلام

برخی از اسلام‌شناسان مسیحی در کتب خود بر این نکته تأکید می‌کنند که اسلام، دین شمشیر و زور است و جهاد اسلامی، برای تحمیل عقیده و سلب آزادی از پیروان مذاهب دیگر تشریح شده است. اسقف دانکن بلاک مک دونالد، میسیونر

برجسته آمریکایی در کتاب خود سیمای اسلام می‌نویسد: وظیفهٔ دینی هر فرد مسلمانی است که اسلام را با شمشیر و زور، انتشار و گسترش دهد.<sup>۴</sup> اسقف مونتگمری وات میسیونر معروف انگلیسی نیز اظهار می‌دارد که جهاد در اسلام برای ارضای شهوت جنگ‌طلبی قوم عرب جاهلی تجویز گردیده است.<sup>۵</sup> مورخ معروف ویل دورانت نیز اسلام را دین شمشیر می‌داند.<sup>۶</sup>

کسی که با سیره پیامبر اعظم ﷺ و

1- H.A.R. Gibb, *Modern Trends in Islam*, Chicago, 1974, pp. 46-48, 109-110; Gustave E.von Grunebaum, *Medieval Islam*, Chicago, 1953, pp. 240-241.

2- Gustave E.von Grunebaum, *Islam: Essays in the Nature and Growth of a Cultural Tradition*, New York, 1961, p. 244.

3- H.A.R. Gibb, *Mohammadanism*, New York, 1953, 2 nd ed, pp. 43-44; Alfred Guillaume, *Islam*, London, 1956, 2 nd ed, pp. 59-60.

4- Duncan B. Macdonald, *Aspect of Islam*, pp. 110-12.

5- W.M. Watt, *Muhammad, Prophet and Statesman*. p. 12.

6- Will Durant, *The History of Civilization*, Vol. 4, p. 241.

فتوحات مسلمانان و منابع اولیه اسلام آشنایی درستی داشته باشد. به خوبی می‌داند که این گونه اظهارات، جز به منظور تضعیف روحیه ملت‌های اسلامی و کم‌رنگ جلوه دادن فداکاری و ظلم‌ستیزی آنان، و جلوگیری از پیشرفت و نفوذ اسلام در جهان پدید نیامده است.

در طول تاریخ، اقوام و ملل وحشی و زمامداران خودسر جهان به منظور کشورگشایی، استعمار و غارت سرمایه‌های ملی، افزودن بر نیروهای انسانی و احیاناً اشباع عطش خونریزی و عاطفه غرورآمیز ملی و مذهبی خود، دست به جنگ و خونریزی می‌زدند و پس از خاتمه جنگ، عقاید و افکار خود را بر ملل مغلوب تحمیل می‌کردند؛ اما برخلاف آن‌ها سپاهیان اسلام تنها برای رفع ظلم و تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی و سربلندی کلمه حق جنگیدند و هنگامی که آثار ستم و عدوان از بین رفت و محیط از لوث تعدی و تجاوز پاک شد، پیرو هر آئینی می‌توانست در سایه حکومت اسلامی، از آزادی مذهبی برخوردار باشد.

سران کشورهای اروپایی در آغاز قرن

بیستم برای اشباع عطش خونریزی و عاطفه غرورآمیز ملی خود در سال ۱۹۱۴م جنگ جهانی اول را به راه انداختند که چهار سال به طول انجامید و در این جنگ ۱۰ میلیون نفر کشته و بیش از دو برابر آن مجروح شدند. فاتحان این جنگ جهانی پس از پایان جنگ خواسته‌های خود را بر ملل مغلوب تحمیل کردند که این خود به شعله‌ور شدن جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م انجامید و در این جنگ شش ساله نیز ۵۵ میلیون نفر کشته و بیش از سه برابر آن مجروح گردیدند.<sup>۱</sup> جنگ جهانی دوم با بمباران هسته‌ای شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن توسط آمریکا پایان یافت. پس از پایان این جنگ، فاتحان در سال ۱۹۴۵م سازمان ملل با به‌وجود آورده، در شورای امنیت این سازمان برای خود حق وتو قائل شدند که این امر بی‌شعباعت به قانون جنگل نیست.

در اواخر جنگ جهانی دوم، شوروی سابق با اشغال نظامی کشورهای اروپای شرقی عقاید و افکار کمونیستی را بر این ملت‌ها تحمیل کرد و آن‌ها تا فروپاشی

1- The Hutchinson Dictionary of World History, Oxford, 1993, pp. 631-635.

شوروی سابق تحت سلطه نظام کمونیستی قرار داشتند. ایالات متحده آمریکا و انگلستان بعد از پایان جنگ جهانی دوم، با انعقاد پیمان نظامی ناتو در میان کشورهای اروپای غربی در مدت شصت سال گذشته حکومت‌های استبدادی را در کشورهای مختلف جهان به قدرت نشاندهند. در این دوران که از آن به عنوان «استعمار نوین» نام برده می‌شود، کشورهای استعمارگر غربی که عضو پیمان نظامی ناتو می‌باشند، علاوه بر مداخله نظامی، ایجاد بحران هویت فرهنگی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه را دنبال می‌کنند.

سازمان‌های بین‌المللی که توسط سازمان ملل به وجود آمده‌اند، تنها منافع کشورهای دارای حق وتو و برخی از کشورهای توسعه یافته غربی را تأمین می‌کنند. در جهان معاصر هیچ مرجعی وجود ندارد که به تخلفات کشورهای دارای حق وتو و توسعه یافته رسیدگی کند. این کشورها به نام ایجاد اصلاحات در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بحران هویت فرهنگی را پدید می‌آورند، ولی خود آن‌ها به هیچ عنوان حاضر نیستند در ساختار سازمان ملل که

شصت سال پیش بر مبنای خواسته‌ها و منافع کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم تأسیس شده کمترین اصلاحاتی ایجاد شود.

بعد از فروپاشی شوروی، دولت ایالات متحده آمریکا سیاست یک جانبه‌گرایی خود را برای تسخیر کشورهای اسلامی در جهت تأمین منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش دنبال می‌کند. در این راستا کشورهای اسلامی افغانستان و عراق توسط آن‌ها اشغال نظامی شدند و آمریکا و اعضای پیمان ناتو در اکثر کشورهای اسلامی پایگاه نظامی ایجاد نموده‌اند. نمونه مداخله آشکار آن‌ها برای تضعیف کشورهای اسلامی، کوشش آن‌ها برای محروم کردن جمهوری اسلامی ایران از استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای می‌باشد.

### استراتژی جدید غرب علیه اسلام

چنان که پیشتر یاد شد، بعد از جنگ جهانی دوم، برخی از اسلام‌شناسان اروپایی و آمریکایی لحن توهین‌آمیز علیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و قرآن مجید را تعدیل نمودند، لیکن به عنوان تحقیقات جدید در چندین کتاب خود این مطالب را ترویج کردند که

کتابهایی را که دانشمندان و علمای اسلام درباره حدیث، سیره و تاریخ در قرون اول اسلام تألیف نموده‌اند بی‌اعتبار و فاقد ارزش علمی هستند و حتی درباره بی‌اعتبار بودن قرآن کریم کتاب نگاشتند.

بیشتر کتاب‌هایی که آن‌ها در این دوران تألیف نموده‌اند در اذهان عمومی این شبهه را القا می‌کند که اسلام دینی عقب‌افتاده است و با دموکراسی، مدرنیسم، پیشرفت علوم و حقوق زن مخالف است.<sup>۱</sup>

آن‌ها سپس خواستار ایجاد اصلاحات اجتماعی و فرهنگی در مبانی دینی اسلام شدند، تا از این راه کشورهای غربی همچنان سلطه خود را در کشورهای اسلامی تداوم بخشند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، پرفسور برنارد لوئیس اسلام‌شناس برجسته آمریکایی در سال ۲۰۰۲م کتابی را با عنوان اشکال کار کجا بود؟ تألیف کرد و در آن خواستار تجدید نظر در روش‌های مطالعات اسلامی در آمریکا گردید. نویسنده اذعان می‌دارد اصلاحاتی که از سوی حکام وابسته به آمریکا در کشورهای اسلامی بعد از جنگ جهانی دوم عملی گردید ساختارهای

نظامی، سیاسی و اقتصادی را دربر می‌گرفته است و مکاتب فکری غرب، مانند سوسیالیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم و پلورالیسم از لحاظ نفوذ در جوامع اسلامی با شکست کامل روبه‌رو شده‌اند. وی اعلام می‌کند مسلمانان فقط با اصلاحات تفکر دینی و اعتقادی می‌توانند پیشرفت نمایند.<sup>۲</sup>

این نظریات برجسته‌ترین اسلام‌شناس آمریکایی سردرگمی و به بن‌بست رسیدن مطالعات اسلامی در آمریکا و اروپا را آشکار می‌سازد. اخیراً در مراکز علمی آمریکا و اروپا این مباحث به شدت دنبال می‌شود که مطالعات اسلامی توسط دانشگاه‌های آمریکا و اروپا نتوانسته تحولات جهان اسلام را پیش‌بینی نماید و جهان غرب در برخورد با مسلمانان همیشه غافلگیر شده است.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ضربه سختی بر شبکه گسترده مطالعات اسلامی در آمریکا وارد کرد، چرا که با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، با رأی مستقیم

1- Lynne Barbee, Middle East Studies Network, MERIP Reports, 38, 1975. pp. 6-7, 19.

2- Bernard Lewis, What Went Wrong?, New York Oxford University Press, 2002, p. 6.

مردم، دولت آمریکا بزرگ‌ترین پایگاه خود را در جهان اسلام از دست داد و متحمل خسارت‌های عظیم سیاسی و اقتصادی گردید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرآغاز بیداری جهان اسلام و بی‌اعتبار شدن تجزیه و تحلیل‌های مراکز مطالعات اسلامی در بین دولتمردان آمریکایی شد؛ چراکه تمامی محاسبات و سیاست‌های دولت آمریکا درباره جهان اسلام بر تجزیه و تحلیل مراکز مطالعات اسلامی این کشور استوار بود. انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را ثابت کرد که اسلام قدرتمند، پویا و زنده است و می‌تواند در برابر اقدامات سوجویانه و سلطه‌طلبانه امپریالیسم غرب در جهان اسلام بایستد.<sup>۱</sup>

علاوه بر مراکز مطالعات اسلام در دانشگاه‌ها و مراکز علمی آمریکا و اروپا، حوزه‌های دینی مسیحیت (Seminaries) در این کشورها بخش‌های مطالعات اسلامی را به‌وجود آورده‌اند. که هدف آن‌ها «مباحث بین ادیان» می‌باشد. چنان‌که یاد شد، این حوزه‌های دینی مسیحیت کتاب‌های فراوانی را علیه اسلام تألیف نموده‌اند که در آن‌ها آشکارا به قرآن کریم و پیامبر اعظم ﷺ

توهین شده است.

کشیشان معروف بنیادگرایان مسیحی در آمریکا که خود را مبلغان انجیل (Evangelist) می‌نامند هم آشکارا علیه پیامبر اعظم ﷺ مطالب توهین‌آمیز را مطرح می‌کنند. سخنرانی‌های توهین‌آمیز علیه پیامبر اعظم ﷺ توسط کشیشان معروف آمریکایی، مانند جری فالول (Jerry Falwell)، پات رابرتسون (Pat Robertson) و فرانک لین گراهام (Franklin Graham) در سال‌های اخیر بازتاب جهانی داشته است.<sup>۲</sup>

### ناکامی توطئه‌ها علیه اسلام

از صدر اسلام تاکنون اسلام همیشه به عنوان یک قدرت بزرگ فرهنگی در اروپا مطرح بوده و در تشکیل جوامع کشورهای حوزه مدیترانه، فرهنگ اسلامی به‌سان یک فرهنگ برتر نقش داشته است. حضور و گسترش سریع اسلام در اندلس، سیسیل و شرق اروپا در قرن اول هجری، دین اسلام را

1- Orientalism, Islam and Islamicist, p. 19.

۲- برای اطلاعات بیشتر درباره ایوانجلیست‌ها بنگرید به: «تبلیغات دینی و سیاسی ایوانجلیست‌های جنگ‌طلب در ایالات متحده آمریکا»، مشکوة، ش ۷۹، تابستان ۱۳۸۲، ص ۶۷-۸۹

به شرق و غرب پیوند داد.

اسلام‌شناسان و مورخان غربی اسلام را به عنوان یک دین شرقی و مسیحیت را به عنوان دین اروپایی و غربی معرفی می‌نمایند، در صورتی که تا سه قرن اول ظهور مسیحیت، پیروان این دین فقط در مناطق خاورمیانه پراکنده بودند و در قرن چهارم میلادی به سال ۳۱۳م، بعد از مسیحی شدن امپراتور مشرک روم به نام کنستانتین، آیین مسیحیت در اروپا گسترش یافت.

اروپاییان که خود را نماینده «دارالمسیحیت» (Christendom) می‌دانند در طول تاریخ، این استراتژی را با جدیت و تعصب خاصی دنبال کرده‌اند که در قاره اروپا حتی یک کشور، به‌طور کامل در اختیار مسلمانان نباشد. از این رو شاهد بودیم که مدعیان آزادی و حقوق بشر در اروپا چگونه مسلمانان مظلوم بوسنی، آلبانی و کوزوو را به بدترین شکل قتل عام کردند<sup>۱</sup>.

غربیان ادعا داشتند قاره‌های آمریکا و اروپا را «دارالمسیحیت» قلمداد نمایند، لیکن گسترش سریع اسلام در این دو قاره، آن را در حال حاضر به «قاره‌های اسلامی - مسیحی» تبدیل نموده است. ایدئولوژی‌های

سکولار در غرب با همان روحیه دیرینه جنگ‌های صلیبی هر روز با شگردهای خود با گسترش اسلام در آمریکا و اروپا مبارزه می‌کنند.

کاردینال جوزف راتسینگر (Cardinal Josef Ratzinger) از آلمان که به عنوان پاپ جدید انتخاب شده، در سخنرانی‌های خود بر این نکته اصرار دارد که مسیحیت به عنوان میراث و فرهنگ اروپا پذیرفته شود و اعلام می‌کند که کلیسای کاتولیک خود را با اصول مدرنیته حاکم بر جوامع غربی، یعنی پلورالیسم، ایلومینیسم (Illuminism)، سکولاریسم، جامعه مدنی دموکراتیک و فردگرایی کاملاً تطبیق نموده است<sup>۲</sup>.

رهبر مسیحیان کاتولیک هم مطابق خواسته‌های دولتمردان اروپایی و آمریکایی اخیراً آشکارا به پیامبر اعظم ﷺ توهین نمود و اظهار داشت که اسلام با قدرت شمشیر پیشرفت کرده است. در سال گذشته، روزنامه پر تیراژ دانمارکی و شماری از

۱- برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: «نگاهی به گسترش اسلام در کشورهای غربی»، مشکوة، ش ۶۷، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۹-۵۵.

2- Joseph Ratzinger, Christianity and the Crisis of Cultures, 2006, p. 10-14.

روزنامه‌ها و مجلات کشورهای اروپایی کاریکاتورهای توهین‌آمیزی علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به بهانه آزادی بیان به چاپ رسانده بودند، لیکن همین اروپاییان دو نفر از مورخان و دانشمندان اروپایی را که در تحقیقات آکادمیک خود بر مسئله هولوکاست خدشه وارد کرده بودند، محکوم به زندان نمودند.

شایان ذکر است دولت - شهر (City - State) واتیکان در داخل شهر روم ایتالیا در روز فوریه ۱۹۲۹م بعد از امضای توافقنامه لاتران (Treaty of Lateran) بین پاپ و رهبر فاشیسم ایتالیا موسولینی به وجود آمد. کلیسای واتیکان همیشه در برابر حکومت‌های استبدادی در کشورهای کاتولیک‌نشین سکوت اختیار نموده و جنایت‌های دولت اشغالگر فلسطین علیه مردم منطقه را محکوم نکرده است. توهین پاپ علیه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اعتراض جهانی مسلمانان روبه‌رو گردید، لیکن پاپ حاضر نشد در برابر امت اسلام با یک و نیم میلیارد نفر جمعیت در جهان رسماً عذرخواهی نماید.

علما و دانشمندان مسلمان از سراسر جهان به مطالب توهین‌آمیز پاپ علیه پیامبر

اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ دادند؛ از جمله حقوقدان و مورخ برجسته مسلمان سید امیر علی در کتاب خود روح اسلام اظهار می‌دارد: «اسلام دست به شمشیر برد تا از خود دفاع کند، اما مسیحیت شمشیر را برگرفت تا آزادی تفکر و آزادی عقیده را از میان بردارد. با گرویدن کنستانتین به آیین مسیح، مسیحیت به صورت دین مسلط جهان غرب درآمده بود و از آن پس دیگر دلیلی نداشت که از دشمنان بیمی به خود راه دهد؛ اما از همان لحظه‌ای که مسیحیت برتری یافت، خصیصه واقعی جدایی‌خواهی و انحصارطلبی خود را گسترش داد. هر کجا مسیحیت حکم فرما می‌شد پیروان هیچ مذهب دیگری از اذیت و آزار در امان نبودند. از سوی دیگر، تمام آنچه مسلمانان از پیروان دیگر ادیان می‌خواستند تضمین ساده صلح و مناسبات دوستانه بود و با پرداخت جزیه در ازای حمایت شدن، و در صورتی که اسلام را قبول می‌کردند، با کلیه مسلمانان از نظر حقوق و سایر امتیازات برابری کامل می‌یافتند.»<sup>۱</sup>

۱- امیرعلی، روح اسلام، ترجمه ایرج رزاقی - محمد



کلیسای کاتولیک در زمان جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان برای توجیه جنایات و وحشی‌گری‌های خود «نظریه جنگ عادلانه» (Just War Doctrine) را مطرح کرد که از آن در اعتقادات دینی مسیحیت به عنوان جنگ مقدس (Holy War) یاد می‌شود.<sup>۱</sup>

صهیونیسم که با اسلام دشمنی آشکار دارد، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی خود در سرزمین فلسطین اشغالی مراکز مطالعات اسلام را تشکیل داده که در آن‌ها کتاب‌ها و مقالات فراوانی علیه اسلام، پیامبر اعظم ﷺ و حقانیت قرآن کریم تدوین می‌گردد و سپس توسط مؤسسات انتشارات آمریکایی وابسته به صهیونیستها چاپ و منتشر می‌شود.

بی‌گمان تهاجم گسترده فرهنگی علیه مسلمانان جهان و توهین به پیامبر اعظم ﷺ با هدف نابودی اعتقادات مسلمانان صورت می‌گیرد. در این تهاجم فرهنگی اساس قرآن کریم و شخصیت پیامبر اعظم ﷺ مورد حمله مستقیم قرار گرفته است. دشمنان اسلام با تجربه هزارساله تبلیغات علیه اسلام و مسلمانان به این نتیجه رسیده‌اند که به رغم همه ترفندها، حیلها و امکانات گسترده مالی و تبلیغی نتوانستند مسلمانان را رسماً

مسیحی نمایند، از این رو می‌کوشند تا با تحریفات گسترده در ارکان اسلام، برای مسلمانان مخصوصاً جوانان ایجاد شبهه نمایند تا آنان در اعتقادات دینی خود دچار شک و تردید شوند و از ایفای رسالت جهانی خود باز مانند و نتوانند سدّی و مانعی در برابر سلطه جهانی غرب ایجاد نمایند. برای همین منظور در دو دهه گذشته تعداد زیادی کتاب و مقاله در زمینه مطالعات قرآنی و زندگانی پیامبر اعظم ﷺ از سوی مراکز علمی جهان غرب منتشر شده که هدف اصلی آن، ایجاد شک و شبهه در اعتبار قرآن کریم و شخصیت و خاتمیت پیامبر اعظم ﷺ می‌باشد.

→ مهدی حیدرپور، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، تیر ۱۳۶۶ش، ص ۲۰۶.

1- Daniel Cole, The Christian's Perspective of When and How to Fight, 2002, p. 29-33.